

روز قوه قضائیه

بدون شك، يكي از مهم ترين شئون حكومت اسلامي، همانا برپاداشتن حق و اجراي احكام و حدود الهي است. روشن است كه دستيابي به اين هدف ارزشمند، جز با وجود دستگاه قضايي مستقل...



اهمیت قوه قضائیه

بدون شك، يكي از مهم ترين شئون حكومت اسلامي، همانا برپاداشتن حق و اجراي احكام و حدود الهي است. روشن است كه دستيابي به اين هدف ارزشمند، جز با وجود دستگاه قضايي مستقل، عدالت محور و مقتدر، ميسر نخواهد شد. به همين دليل است كه در اسلام، احكام قضايي و اجراي آن از اهميت ويژه اي برخوردار است؛ زيرا جان، مال، حيثيت و ناموس مردم، همه در گرو اجراي احكام و حدود قضايي قرار دارد و بار سنگين تامين امنيت جان ها، اموال، آبرو و عزت جامعه اسلامي، برعهده آن است.

قوه قضائیه، پناه گاه مردم

قوه قضائیه، ملجا و پناهگاه مردم ستمدیده و ضعيف است. اين نهاد مقدس، از چنان اهميتي برخوردار است كه اگر مطابق موازين اسلامي رفتار كند، مي تواند گره گشاي بسياري از مشكلات کشور باشد. بديهي است كه اين امر در صورتي تحقق خواهد يافت كه مردم خود را از گزند هر گونه تجاوز، و آسيب هر نوع تعدي در امان ببينند و احساس آرامش و امنيت كنند.

سودمندی های اجرای احكام جزايي اسلام

بي گمان، همان طور كه گاه پزشك براي نجات جان يك انسان، جز قطع كردن عضو يا اعضاي فاسد و غيرقابل ترميم بدن وي چاره اي ندارد و اين كار وي، عين رحمت و شفقت بر بيمار محسوب مي شود، اجراي حدود، قصاص، تعزيرات، ديات كه گاه با از ميان برداشتن مفسدان و تبهكاران غيرقابل اصلاح از صحنه اجتماع همراه است، هم براي تربيت و اصلاح خود منحرفان سودمند و ضروري است و هم براي اصلاح پيكره جامعه لازم است؛ زيرا از اين رهگذر، ريشه بيدادگري ها، دزدي ها و بي عفتي هاي خانمان سوز از کشور كنده

مي شود و صحنه جامعه اسلامي، از لوث عناصر پليد و منحرف پاك سازي و تطهيرمي گردد.

قوه قضائیه و تربيت الهي انسان

از آن جايي كه هدف اصيل حكومت اسلامي، همانا تربيت الهي انسان و جامعه بشري است نظام قضايي اسلام، درصدد است تا از رهگذر اجراي حدود الهي، نقش تربيتي خويش را ايفا نمايد. بر همين اساس است كه حضرت امام خميني (ره)، بينانگذار اين بنياد رفيع و مستحكم، از زندان، به عنوان تربيت گاه ياد مي كند و به متصديان امور زندان ها چنين توصيه مي فرمايد:

171#؛ زندان ها را به يك مدرسه آموزش و تربيت اخلاقي مبدل كنيد تا منحرفان و گناهكاران، شيريني عدالت اسلامي را بچشند و به اسلام و نظام اسلامي روي آورند و بازگشت به اسلام و خداي متعال نمايند كه باب رحمت گنهكاران را بهتر جذب مي كند، حتي آن كس كه مستحقق حدود الهي است. بايد از عطوفت ماموران تا پاي دار و محل مجازات برخوردار باشند. (صحيفه نور، ج 18، ص 237)

قوه قضائیه در خدمت مردم

قوه قضائیه، همواره در خدمت مردم است و امنیت و آرامش را در جامعه با اجرای دقیق احکام اسلامی تضمین می کند. این نهاد می کوشد به گونه ای عمل کند که مردم آن را در دادخواهی ها و اجرای عدالت و حدود اسلامی پشتیبان خود بدانند. قوه قضائیه با تلاش در راه اجرای عدالت و پیاده کردن احکام اسلامی در جامعه، می کوشد تا در راه اهداف عالی نظام اسلامی ایران گام بردارد.

سفارشات امام علی (ع)

امام علی (ع) اسوه عدالت و جوانمردی است. سفارشات آن حضرت به مالک اشتر درباره امور مربوط به قاضی و قضاوت، راه گشای بسیاری از مشکلات کنونی است. آن حضرت در این باره چنین توصیه می کند:

171#& سپس از میان مردم. برترین فرد را در نزد خود برای قضاوت برگزین. از کسانی که مراجعه فراوان مردم آنان را در تنگنا قرار ندهد و برخورد مخالفان با یکدیگر، او را به خشم و کج خلقی و اندارد. (کسی که) در استباهاتش پافشاری نکند و در صورت روشن شدن حق، بازگشت به حق برایش سخت نباشد. طمع را از دل بیرون کرده باشد و در فهم مطالب به تحقیق اندک اکتفا نکند. با مراجعه مکرر شاکیان کمتر خسته شود و در کشف امور شکیباتر و به هنگام آشکار شدن حق، در خاتمه بخشی به خصومت از همه قاطع تر باشد. (نهج البلاغه. صبحی صالح، ص 434)

رعایت الگوی علوی در قوه قضائیه

اساس و پایه قضاوت اسلامی، اجرای عدالت و گرفتن حق مظلوم از ظالم است؛ یعنی در نظام قضایی اسلام تقویت ضعیف و سرکوب ظالم از اهمیت خاصی برخوردار است. چنانچه اساس قضاوت علوی را نیز همین امر تشکیل می داد. سیره آن حضرت در دوران حکومت عدالت گسترش، اجرای احکام الهی، گرفتن حق مظلوم از ظالم و از بین بردن ستم ستمکاران بود. آن حضرت در این باره می فرمود:

171#& سوگند به خدا، من دست ستمگر را از سر ستمکش برمی دارم و از روی عدل و انصاف حکم می کنم و با هر موقعیتی که دارد، او را کشان کشان به سوی حق و عدالت می کشانم. (نهج البلاغه، خطبه، 136)

قوه قضائیه و مبارزه با آفات و منکرات اجتماعی

جامعه ما امروز تشنه قضاوت علوی و اجرای دقیق قانون اسلامی است. فقر، فساد و تبعیض، سه بیماری جانکاه جامعه است که نظام اسلامی و حکومت دینی را تهدید می کند. بنابراین، بی تفاوتی در مورد افزایش فقر و تبعیض اجتماعی، هم زیستی با دیو اعتیاد و فساد اخلاقی، پذیرش رشوه خواری، خودباختگی در برابر فرهنگ و ارزشهای غربی و عدم مقابله همگانی با این آفت خطرناک اجتماعی، تداوم حکومت اسلامی و نظام علوی را با خطر روبرو می سازد.

بنابراین، قوه قضائیه در کنار دیگر نهادها وظیفه دارد که با این آفات و منکرات اجتماعی با جدیت تمام مبارزه نموده، جوانان را از سقوط در دام این بلایا مصون دارد. حضرت امام (ره) در این باره می فرماید: 171#& قوه قضائیه که مسئولیت اجرای حدود و احکام الهی، و در حقیقت بار سنگین تامین امنیت را به عهده دارد، باید جلوی تخریب، و جنایات و اشاعه فحشا و منکرات و دزدی ها و قتل ها و مواد مخدر را بگیرد. (قضا و قضاوت در اندیشه امام خمینی، ص 19)

امام علی (ع) تندیس عدالت در عرصه داوری و قضاوت در میان مسلمانان است. حتی دشمنان به عدالت وی اعتراف کرده و او را مظهر عدالت خواهی لقب داده اند. (ر.ک: امام علی صدای عدالت) سیستم نظارتی آن حضرت بر قاضیان از اهتمام ویژه ایشان به عدالت و داوری صحیح در میان مردم حکایت دارد.

اینک که قوه قضائیه جمهوری اسلامی، ادامه دهنده سیاست گذاری های آن امام همام است، باید همان سیستم را در دستگاه قضایی احیا و تطبیق نماید؛ زیرا تنها در این صورت است که ناامنی و کجروی ها و انحرافات از جامعه رخت برخواهد بست و به جای آن، عدالت و امنیت در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، در کشور تضمین خواهد شد.

اهمیت قوه قضائیه در قانون اساسی

قوه قضائیه، در همه کشورهایی که اصل جدایی قوا را پذیرفته اند، از اقتدار خاصی برخوردار است، ولی اسلام علاوه بر اقتدار، ویژگی های معنوی هم برای قضاوت قائل است. بدین سبب، قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز اقتدار و معنویت را یک جا برای این قوه منظور داشته است.

قانون اساسی، قوه قضائیه را مسئول تحقق عدالت اجتماعی و پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی دانسته، حضور این قوه را در درون کشور اسلامی به منظور پیش گیری از انحرافات امری حیاتی تلقی کرده است. قانون اساسی افزون بر این که رسیدگی و حکم در مورد شکایت های همگان را در انحصار این قوه قرار داده، وظایف سنگین دیگری برای قوه قضائیه قائل شده است: احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی های مشروع. نظارت بر حسن اجرای قوانین و پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرم، بخشی از وظایف قوه قضائیه شناخته شده، و اصل 156 به آن تصریح کرده است. (جلال الدین فارسی، فرهنگ واژه های انقلاب، ص 635)

اهمیت قوه قضائیه در نگاه امام خمینی (ره)

حضرت امام خمینی (ره) دستگاه قضایی را بسیار با اهمیت تلقی کرده، حیثیت کشور و مردم را در گرو آن دانسته اند. ایشان در این باره می فرماید:

«در دست قوه قضائیه همه چیز است، جان مردم است، مال مردم است. نوامیس مردم است، همه در تحت سیطره قوه قضائیه است و قاضی اگر چنانچه خدای نخواسته نالایق باشد، ناصحیح باشد، این در اعراض و نفوس مردم سلطه پیدا بکند، معلوم است که چه خواهد شد.»¹⁷¹

(کلمات قصار امام خمینی، ص 137)

نظارت بر حسن اجرای قوانین

یکی از وظایف قوه قضائیه، نظارت بر حسن اجرای قوانین است، (فرهنگ واژه های انقلابی، ص 642) قانون اساسی، نظارت بر حسن اجرای قوانین را به قوه قضائیه واگذار کرده تا رئیس این قوه، از طریق تشکیلات لازم و با تهیه لوایح متناسب، انجام این وظیفه پر مسئولیت را سر و سامان ببخشد. او می تواند از ابزار مهمی که قانون اساسی برای نظارت بر حسن اجرای قوانین در اختیارش گذاشته، کاملاً استفاده کند و ناهنجاری ها را به خوبی شناسایی و معالجه نماید.

1- رسیدگی بر صدور حکم در مورد تظلمات، تعدّیات، شکایات، که از طریق تشکیلاتی به نام « دادگستری « انجام می گیرد.

2- احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی مشروع

3- نظارت بر حسن اجرای قوانین که در محاکم بر عهده دیوان عالی کشور و در ادارات بر عهده سازمان بازرسی کل کشور نهاده شده است.

4- اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین

- تشکیلات قوه قضائیه :

1- رئیس قوه قضائیه که انتخاب آن از اختیارات مقام معظم رهبری است که برای مدت پنج سال با شرایط زیر انتخاب می شود: مجتهد عادل - آگاه به امور قضایی - مدیر و مدبّر.

2- محاکم و دادسراها

3- وزیر دادگستری

4- قضاوت « دادرسان «

5 - دیوان عدالت اداری و سازمان بازرسی کل کشور

.....

معرفی کتاب :

« توجیه و نقد رویه قضایی «

ناصر کاتوزیان/ انتشارات دادگستر/ چاپ اول 1377

- کتاب « توجیه و نقد رویه قضایی « اثر دکتر ناصر کاتوزیان حقوقدان برجسته معاصر که در سال 1377 چاپ اول آن به طبع آراسته شده است، می کوشد تا « رویه قضایی « را که از منظر او « آشکارترین محل جلوه عدالت قانونی است « توجیه و نقد کند. وی با آوردن 40 نمونه از دعاوی مطرح شده در دادگاههای مختلف کشور میزان نقش و تأثیر رویه های مختلف قضایی را نشان داده است. وی توضیح داده است که در هر دادگستری، دادرسان در اجرای حکم تنها به قوانین مکتوب توجه ندارند بلکه در این میان گوش به ندای اخلاق و عدالت دارند و به زمزمه دل و حکم عقل پاسخ می دهند.

- از منظر وی دادرسان برای اجرای یک حکم عادلانه نباید تنها به قانون نوشته شده اکتفا کند « چون تجربه و مشاهده نشان می دهد که مجموعه قوانین تنها بخش ناچیزی از واقعیتهای زندگی را در بر می گیرد و درباره آنها حکمی صریح دارد. بخش عمده تر یا قانونی ندارد یا حکم مربوط به آن مجمل و غیر صریح و نارسا است. در همین بخش است که « رویه قضایی « نقشی سازنده دارد، و به عنوان تکمیل کننده و گاه رهبر نظام حقوقی جلوه می کند «. لذا با استفاده از منابع دیگر صدور حکم، همچون دل و عقل « به انتخاب و گاه ابداع قانون حاکم بر دعوی است می زند « پس « آنچه که به قلم دادگاه

جاري مي شود، در واقع ترکيبي از اخلاق، عدالت، قانون است که در کارگاه وجدان او به هم آميخته و انگيزه صدور حکم شده است. در اين امتزاج رواني، عوامل گوناگون سياسي و مذهبي و اخلاقي و تاريخي مؤثر است که نادیده گرفتن آنها و تکیه به قانون، به عنوان تنها منبع حقوق و حکم قابل اجرا در دعوي، به معني نادیده گرفتن بخشي از واقعيت است؛¹⁷¹.

– آنچه که کتاب در پي آن است فهم اين نکته مهم و اساسي است که ما براي اداره هر کشور تنها به قوانين موضوعه اعتياري توجه نمي کنيم بلکه به ياري مجموعه اي از عوامل مؤثر در زندگي آدميان از قبيل اخلاق، دل، عقل، اصول کلي حقوقي، و در اداره اجتماع و هدايت آن توجه داريم لذا در حوزه قضاوت نيز بايد مفهوم ¹⁷¹؛ روية قضايي؛ و تأثير آن در روند حکم را از منابع مهم حقوقي دانست و با نقد و توجه آن و افزودن پاره هاي ديگر به آن با استفاده از منابع مذکور در رسيدن به حکم عادلانه کوشش کرد.

– در ادامه کتاب مؤلف با آوردن نمونه هاي گوناگون احکام قضايي پس از توجيه احکام صادره، در پاره اي از موارد به نقد آنان پرداخته است و در اين ميان نقش و تأثير روية هاي مختلف قضايي را در صدور حکم بيش از پيش براي خوانندگان مشخص نموده است. مطالعه اين اثر گامي مهم در فهم حقوق فردي و اجتماعي ماست.